

شماره جلسه: ۱۴۹ درس خارج فقه آية الله نجفی دام ظلّه تاریخ: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷ یکشنبه

مقرر: مصطفی اله دادی

موضوع عام: مسائل مستحدثه موضوع خاص: بورس و اوراق بهادار موضوع اخص: (۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نکته: مراد از اقتصاد اسلامی

وقتی گفته می‌شود که اسلام دارای نظام اقتصادی است مراد آن است که اقتصاد در اسلام به دایره شرع محدود شده است. یعنی در یک مسلمان در نظام اقتصادی اسلام نمی‌تواند اموال و دارایی خود را در هرگونه تولید یا تجارتی بکار گیرد و سود حاصل از آن را تصرف نماید.^۱ برای نمونه از نظر اسلام نمی‌توان کارخانه تولید مشروبات الکلی یا کلینیک سقط جنین یا کارخانه پرورش خوک برای استفاده از گوشتش ایجاد کرد. نیز نمی‌توان مراکز فحشا یا تجارت مواد مخدر یا تجارت انسان یا تجارت اجزای بدن او یا کارخانه تولید سلاح و استفاده در کشتن مردم بی‌گناه را ایجاد کرد و از سود آن هر چند سرشار و زیاد باشد بهره برد. مراد از اقتصاد اسلامی بدین معنا نیست که اسلام یک علم اقتصاد جدید تأسیس کرده بلکه اقتصاد در اسلام به حدود شرعی مقید شده است. ناگفته نماند که شارع برخی تجارات و تولیدات و فعالیت‌های اقتصادی را تاکید می‌کند. مثل ساخت مدرسه و بیمارستان و امور عام‌المنفعه هرچند که در آن سود کمی باشد. در مورد طب اسلامی نیز همین مطلب جاری است. یعنی اسلام یک دانش پزشکی جدیدی ارائه نکرده است بلکه او بعضی کارها و تجویزات یا استفاده از بعضی داروها را در مواردی جایز نمی‌داند.

برای نمونه اسلام مراجعه به پزشک غیرهمجنس در مواردی که همجنس‌بودن بیمار و پزشک لازم است را جایز نمی‌داند.

نیز اسلام تجویز شراب را مادامی که بیماری حاد نباشد و درمان هم منحصر به شراب نباشد و داروی مشابه وجود داشته باشد جایز نمی‌داند. بنابراین طبابت یک علم واحد است ولی اسلام آن را در مواردی محدود کرده است.

ناگفته نماند که در مواردی که پزشک غیرهمجنس اعلم باشد رجوع به او اشکالی ندارد، حتی اگر این پزشک تخصص بیشتری داشته باشد رجوع به او بلاشکال می‌باشد بلکه اگر به این پزشک اطمینان بیشتری وجود داشته باشد مراجعه به او اشکالی ندارد.

سیاست اسلامی نیز به همین معنا می‌باشد. یعنی سیاستمدار مسلمان حق کارهای خلاف شرع و کذب را ندارد. یعنی شرع به سیاستمدار مسلمان دستوراتی داده است که مبنی بر اینکه او نمی‌تواند هر سیاستی را برای رسیدن به هدف خود بکار گیرد بلکه این سیاست، به امور جایز در شرع محدود شده است.

برای نمونه معاویه در جنگ صفین آب را بر روی لشکر امیرمومنان علی علیه السلام بست و اصطلاحاً سیاست به خرج داد. پس نمی‌توان او را یک سیاستمدار مسلمان نامید. لذا می‌بینیم که وقتی آب به دست لشکریان حضرت افتاد ایشان آب را به روی لشکر معاویه نبستند^۲ و این سیاست اسلامی را بکار گرفتند.

بنابراین اموری مانند اقتصاد و طب و سیاست تأسیس شرعی ندارند بلکه همه این علوم قبل از اسلام هم وجود داشته‌اند لکن اسلام و شارع برای طبیب و اقتصاددان و سیاستمدار مسلمان حدود و مقیّداتی را قرار داده است که نباید از آن تعدی کرد.

۲. ر.ک: الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۶۵؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۸۶؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۷۲؛ وقعة الصفین (المنقری)، ص ۱۶۲.